

به قالب نجسید و زود جدا شود. چوب قالب خشت‌زنی هر چوبی می‌تواند باشد به غیر از چوب درخت سپیدار، چون می‌پیچد و کج و کوله می‌شود.

● گل خشت‌مالی

به غیر از دست‌ها، صورت و پیشانی پیرمرد نیز گلی شده است. او خسته از گرما و آفتاب سوزان است اما صبورانه صحبت‌هایش را ادامه می‌دهد: گل خشت‌مالی فقط گل و آب نیست، بلکه ماسه و کاه هم باید به آن اضافه کرد. خشت اومال که به این خشت می‌گویند هم به خاطر نام آب مال کردن است و هم به خاطر وجود آب و ماسه و کاه در گل است که این نام را به خود گرفته است. کاه برای محکمی است و مقاومت خشت را بیشتر می‌کند و ماسه بادی برای تمیزی خشت استفاده می‌شود. یک دیوار خشتی را اگر ترده نخورد حداقل ۲۰ سال یا بیشتر عمر می‌کند.

گوشه‌ای از محوطه نارین قلعه را خشت‌زنی گرفته است، ردیف‌های تر و تازه خشت به دست استاد غلامحسین زارعی زده شده و منتظرند بعد از ظهر ورچیده شوند؛ این اصطلاحی است که استاد خشت‌زن به کار می‌برد و همان‌طور که عرق صورتش را پاک می‌کند، می‌گوید: این خشت‌ها باید تا بعد از ظهر آفتاب بخورند و بعد ورچیده شوند، یعنی برداشته شوند و به صورت عمودی آن‌ها را با پچینیم تا هم همه طرف خشت باد و آفتاب بخورد و خشک شود و هم زمین آب خشت را نکشد و موجب شکستش نشود.

کناره‌های بعضی از خشت‌هایی که الان زده‌ام ناهمواری دارد و بعد از ظهر که می‌خواهند خشت را ورچینند، ناخن خشت را نیز می‌چینند یعنی کناره‌های ناهموار را صاف می‌کنند تا خشت‌های ناهموار دست اوستار موقع بنایی نبرد. خشت باید تا دو روز آفتاب بخورد و به آن دست نزد. بعد از دو روز این خشت آماده است تا از آن استفاده شود. ما به خشت‌هایی که آماده شده و گوشه‌ای گذاشته می‌شود می‌گوییم خشت را هره کرده‌ایم، الان می‌بینید این گوشه خشت‌ها هره شده‌اند و میراث فرهنگی هر زمان که لازم داشت می‌آید و می‌برد.

● زمین خشت

استاد غلامحسین دوباره قالب را می‌شوید و شروع به کار می‌کند. در ردیف بعدی قالب خشت را بالاتر می‌گذارد تا خشت‌هایی که شکل می‌گیرند کنار هم نباشند و به هم نجسبند. زمینی که خشت روی آن قرار می‌گیرد نیز باید صاف باشد؛ این را پیرمرد خشت‌زن می‌گوید و با پا زمین را نشان می‌دهد و توضیح می‌دهد: زمین نباید گود یا بالا باشد چون خشت را ناهموار می‌کند؛ رعایت این‌ها در خشت‌زنی مهم است. قالب‌های خشت همه اندازه‌ای دارد، ۵ سانتی تا ۲۰ سانتی، بستگی دارد کجای بنا قرار است استفاده شود.

استاد غلامحسین زارعی ۲۵ سال است که برای میراث فرهنگی خشت می‌زند تا بناها و آثار شهرش را با خشت‌هایی که می‌زند مرمت و بازسازی کند؛ او می‌گوید: در قدیم خشت‌مالی یا خشت‌زنی زیادتر بود، مردم خانه‌هایشان را نیز خشتی درست می‌کردند، متأسفانه الان فقط خشت را برای مرمت آثار تاریخی به کار می‌برند و مردم قدر خاک و گل منطقه‌شان را نمی‌دانند که چقدر مقاوم‌تر، آرامش‌بخش و زیباتر است. قدیم خشت را دانه‌ای حساب می‌کردند و هرچه خشت زده بودیم پولمان را می‌دادند اما الان میراث فرهنگی ماهیانه حقوقی را به من پرداخت می‌کند. روزی ۲۵۰ تا خشت می‌زنم و ۵۰ سال است که با گل سر و کار دارم. جوان‌ها که می‌آیند خشت‌مالی را یاد بگیرند کار با گل را دوست دارند و بهشان آرامش می‌دهد، مثل خودم که جوان بودم و کار با گل برایم لذت‌بخش بود و حتی بوی گل آرامم می‌کرد اما الان دیگر این حس را ندارم و به اینکه دست‌انم در گل فرو بروم یا مشامم بوی گل را حس کنم عادت کرده‌ام. در تمام این سال‌ها کار خوب تحویل داده‌ام و کار خوبم مرا خوشحال می‌کند و به قول یزدی‌ها خَشَم می‌شود.

استاد خشت‌مال میبیدی بعد از کار در کنار نارین قلعه می‌نشیند تا استراحتی کند، گاهی نگاهی به خشت‌های قلعه می‌کند و گاهی به خشت‌هایی که خودش زده نگاهی می‌اندازد و آهی می‌کشد و زیر لب زمزمه می‌کند: ماهم می‌رویم و باز هم این خشت‌ها می‌ماند و دیگرانی که می‌آیند تا خشتی دیگر بزنند برای مرمت خشت‌هایی که من زده بودم.

گل خشت‌مالی فقط گل و آب نیست، بلکه ماسه و کاه هم باید به آن اضافه کرد. خشت اومال که به این خشت می‌گویند هم به خاطر نام آب مال کردن است و هم به خاطر وجود آب و ماسه و کاه در گل است که این نام را به خود گرفته است

برای نگهداری و مرمت بناها و خشت‌هایی که یادگار گذشتگان است به دستانی نیاز است که استادانه خشت بزند، دستانی که ۴۰ سال با خاک و گل عجین شده است. استاد غلامحسین زارعی را در محوطه بزرگ نارین قلعه (قلعه تاریخی میبد) می‌توان دید، جایی میان تاریخ و انبوهی گل، پیرمردی نشسته و خشت می‌زند. آفتاب داغ شهریور ماه روی گل‌هایی که از روز قبل آب خورده تا خیس بخورد می‌تابد و پیرمرد گل‌های خیس خورده را کمی با بیل زیر و رو می‌کند، بوی گل در فضا می‌پیچد که استاد خشت اومال شروع به صحبت می‌کند و از شغلش می‌گوید که سال‌ها با آن زندگی کرده است: ۲۰ سال بود که برای یاد گرفتن خشت‌مالی نزد یکی از اقوام رفتم. این کار را دوست داشتم و کمتر از یک ماه همه چیزش را یاد گرفتم و ادامه‌اش دادم. پیش از آن زیلوبافی می‌کردم یعنی از ۱۰ سالگی که شروع به کار کردم ابتدا زیلوبافی و سرامیک کار کردم و بعد به سمت خشت‌زنی آمدم، فکر می‌کردم بهتر از زیلوبافی است اما اشتباه می‌کردم و کار سخت‌تری بود (می‌خندد) این کار سرما و گرما ندارد.

خوبی زیلوبافی این است که در خانه یا کارگاهت نشستنی و کار می‌بافی اما برای خشت‌زنی زمستان باشد یا تابستان باید بیرون باشی و کار کنی. ولی خب چه می‌شود کرد، قسمت و سرنوشت من این بود که اوستای خشت‌مال صدایم بزنند.

● خشت‌زنی

اوستای خشت‌مال، استنبولی را پر از آب می‌کند و کنار گل‌های خیس خورده می‌گذارد، قالب چوبی خشت‌زنی‌اش را برمی‌دارد و پشت به آفتاب می‌نشیند. قالب روی زمین گذاشته می‌شود و دستان پر چین و چروک پیرمرد مشتش بزرگی از گل را درون قالب می‌ریزد، دست‌های گلی توی ظرف آب می‌رود و لختی آب روی گل‌های درون قالب ریخته می‌شود و پیرمرد تند و با مهارت گل‌ها را در قالب جا می‌دهد، این کار همراه وارد کردن انگشتان هر دو دست انجام می‌شود و بعد استاد خشت‌مال با کف دست‌ها شروع به صاف کردن گل‌ها درون قالب مربعی شکل خشت می‌کند. دست‌ها همزمان و هماهنگ کار می‌کنند و گل‌ها به سرعت درون قالب جا می‌گیرند. اضافه گلی که از قالب خشت باقی مانده برای خشت بعدی کمی پایین‌تر از خشت قبلی روی زمین ریخته می‌شود. قالب از روی خشتی که زده شد برداشته می‌شود. خشت‌زنی توسط غلامحسین زارعی آن‌قدر سریع و استادانه انجام می‌شود که لحظه‌ای حس می‌کنی خشت‌مالی کار سختی نیست و همه به راحتی می‌توانند انجامش دهند اما پیرمرد باتجربه و سرد و گرم چشیده خشت‌زن معتقد است هر کاری فوت کوزه‌گری دارد و فوت کوزه‌گری خشت‌زنی، درست صاف کردن گل با دست‌ها در قالب است.

او در این باره می‌گوید: برای خشت‌زنی، گلی که استفاده می‌شود مهم است؛ خاک کشاورزی برای این کار مناسب نیست و خاک رس بهترین خاک برای خشت‌زنی است. گل ناخیس (گلی که از روز قبل خیس نخورده) زود می‌شکند. اما مهم‌تر از گل، درست صاف کردن گل در قالب است، باید همه جای خشت یک دست صاف شود، یک جا بالاتر و یک جا گودتر نباشد، دست‌ها از بالا به پایین قالب که می‌آید و روی گل‌ها را صاف می‌کند باید همراه هم جلو بیايد و کشیده شود. بیشتر افرادی که وارد این شغل می‌شوند در صاف کردن گل مشکل دارند و درست گل را در قالب صاف نمی‌کنند و شکل نمی‌دهند. تازه کارها نمی‌توانند تمیز خشت را بمالند.

● قالب خشت

استاد غلامحسین، قالب خشت را چند سانت پایین‌تر از خشت قبلی می‌گذارد و دوباره دستانش زیر تکه‌ای از گل فرو می‌رود و آن را بالا می‌آورد و در قالب می‌اندازد. آب روی گل‌ها ریخته می‌شود و دست‌ها به آن شکل می‌دهند و این کار بارها و بارها تکرار می‌شود و خشت‌ها به ردیف کنار هم روی زمین دیده می‌شوند. پیرمرد قالب خشت‌زنی را درون ظرف آب فرو می‌کند و دور تا دورش را می‌شوید، او حین این کار می‌گوید: پس از چهار یا پنج قالب خشتی که زدم قالب را می‌شویم تا تمیز شده و گل‌هایی که به آن چسبیده جدا شود تا وقتی خشت می‌زنم به گل‌های قبلی نجسید و بیرون بیايد. درون ظرف آب کمی کاه ریخته‌ام تا قالب، گل را به خود نگیرد و سریع جدا شود. موقعی که گل را در قالب می‌ریزم هم کمی آب رویش می‌ریزم تا شل‌تر شود، همه این کارها برای این است که گل

